



گفتمان مجدد با تکیه بر میراث سلف به دستاوردهای بشری نیز توجه دارد

رشاد ضمن ارائه مقاله‌ای با عنوان نظریه عدم انحلال خطابات قانونیه و برشمردن سه گفتمان متجمد سنتی، متجدد غرب‌باور و گفتمان مجدد گفت: گفتمان مجدد با تکیه بر میراث سلف به دستاوردهای بشری نیز توجه دارد.

رشاد ضمن ارائه مقاله‌ای با عنوان نظریه عدم انحلال خطابات قانونیه و برشمردن سه گفتمان متجمد سنتی، متجدد غرب‌باور و گفتمان مجدد گفت: گفتمان مجدد با تکیه بر میراث سلف به دستاوردهای بشری نیز توجه دارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، همایش ملی فلسفه فقه با تأکید بر مباحث فقهی امام خمینی(ره) با پیام کتبی حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی و سخنرانی آیت الله علی‌اکبر رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، آیت الله ابوالقاسم علی‌دوست و حجت الاسلام والمسلمین سیدسجاد ایزدهی، حجت الاسلام والمسلمین ابوالقاسم مقیمی و ابوالحسن حسینی در تالار اندیشه پژوهشگاه دفتر قم برگزار شد.

آیت الله علی‌اکبر رشاد ضمن ارائه مقاله خود با عنوان «نظریه عدم انحلال خطابات قانونیه»، در ابتدای بیانات خود، بحث الگویی سه‌گانه گفتمان‌های فکری را مطرح کرد. ایشان گفت: پیشتر الگویی سه‌گانه برای تحلیل و طبقه‌بندی گفتمان در عرصه‌های مختلف، ارائه کرده‌ام که عبارت است از: 1. گفتمان متجمد سنتی‌اندیش، 2. گفتمان متجدد غرب‌باور، 3. گفتمان مجدد.

آیت الله رشاد گفتمان مجدد را به عنوان یک جریان فکری، معیشتی و مدیریتی، دارای ابعاد مختلف دانست و افزود: گفتمان مجدد با تکیه بر میراث معرفتی سلف و توجه به ارزشمندی این میراث عظیم، به دستاوردهای بشری نیز توجه دارد، و تلاش می‌کند با استفاده از تجارب ارزشمند سلف، در روزگار جدید بر معرفت، مدیریت و معیشت تأثیرگذار باشد.

استاد علی‌اکبر رشاد در ادامه گفتند: گفتمان مجدد در ایران، از دهه بیست شمسی، در حوزه معرفت دینی شکل گرفت و دستاوردهایی را در حوزه‌های مختلف، از جمله فلسفه، کلام و تفسیر پدید آورد.

وی در ادامه به سه ضلع معاصر گفتمان مجدد اشاره کرده و افزود: این گفتمان در عصر حاضر سه بانی دارد که این سه شخصیت در وجه اجتماعی‌بودن این رویکرد معرفتی با یکدیگر دارای اشتراك هستند.

آیت الله رشاد ادامه داد: در ضلع نخست، مرحوم علامه طباطبایی در حوزه حکمت و در راستای نوسازی فلسفه، «فلسفه نوصدرایی» را تأسیس کرد که طی دو دهه اخیر مرحله جدیدی را در قالب تولید فلسفه‌های مضاف به‌وجود آورده است. در ضلع دوم، حضرت امام خمینی(ره) در حوزه فقه تحول ایجاد کردند و فقه نو را بنیاد نهادند؛ در ضلع سوم نیز مرحوم علامه مطهری قرار دارد که الهیات جدید را تأسیس کرد و دوره تازه‌ای از کلام را که از زمان خواجه نصیر به بعد بدون تغییر باقی مانده بود، بنیاد نهاد.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: ما استاد مطهری را در حوزه الهیات و کلام جدید «پی‌گذار کلام جدید شیعی» می‌دانیم و همان‌گونه که رویکرد علامه طباطبایی در حکمت، اجتماعی بود، علامه مطهری نیز الهیات اجتماعی شیعی را تأسیس کرد.

آیت الله رشاد در ادامه به بررسی ضلع دیگر گفتمان مجدد پرداخت و اشاره کرد: حضرت امام(ره) نیز ضلع دیگر این جریان فکری و گفتمان معرفتی را بنا نهاد و در حوزه فقه، تأسیس اساس کرد. اگر بخواهیم کسی را مثال بیاوریم که با رویکرد صریح فلسفی و فلسفه فقهی، به فقه نگریسته باشد و با همین نگرش موجب تحول در فقه شده باشد، باید نام مبارک حضرت امام را به زبان بیاوریم. در واقع ایشان می‌تواند مؤسس فلسفه فقه انگاشته شود، البته حضرت امام نه چنین اصطلاحی را به کار برده‌اند و نه به صورت مدون ساختار و هندسه‌ای برای فلسفه‌ی فقه پیشنهاد داده‌اند، اما چنین رویکردی داشتند و انقلاب اسلامی نیز ثمره همین رویکرد بود.

وی درخصوص شأن فقه و نسبت حکومت و فقه ضمن اشاره به این جمله حضرت امام(ره) که «حکومت فلسفه عملی تمام فقه است» افزود: این تعبیر یک شعار نیست که حسب ظروف فرهنگی تاریخی بر زبان ایشان جاری شده باشد، بلکه چنین نگاهی به فقه دارای پیرنگ‌ها، پیشینه‌ها و پیامدهای عظیمی بوده و هست. لب این بیان حضرت امام این است که فقه، قانون است و قانون نیز چارچوب زیستن است؛ فقه که ماحصل فهم ما از شریعت است، آمده تا زندگی را اداره کند.

استاد رشاد با اشاره به تعبیر مشهور حضرت امام که تأکید بر نقش زمان و مکان در اجتهاد و استنباط فقهی دارد، تصریح کرد: این نیز تعبیر بلندی از آن بزرگوار است که به نحوی ملازم با نگاه اجتماعی ایشان به فقه است. نحوه نگاه و مواجهه با فقه و اینکه چه نسبتی میان فقه، تفکر و عمل برقرار است، یک گفتمان و پارادایم معرفتی است و تعریف حضرت امام از «اجتهاد» نیز باید در ذیل همین نگاه دیده شود.

آیت الله رشاد در ادامه افزودند: نظریه معروف به «عدم انحلال خطابات قانونیه» نیز باید در ذیل همین نگاه حضرت امام بررسی شود. اگر با نگاهی مثبت به اهمیت این مبنا و نظریه نگریسته شود می‌توان از آن به «بارقه رحمانیه» یاد کرد. نظریه عدم انحلال خطابات قانونیه حضرت امام را می‌توان با ترمیم و تکمیل و رفع اشکالات، مبنای فلسفه فقه قرار داد و نیز می‌توان ادعا کرد که در ذهن حضرت امام به صورت ارتکازی و براساس مبناي نظریه خطابات، یک فلسفه فقه شکل گرفته بود. هرچند این

ارتکازات به صورت مدون و مبین ارائه و عرضه نشده است. بر اساس نظریه «عدم انحلال خطابات قانونیه» علاوه بر طراحی فلسفه فقه، می‌توان تا حدی فلسفه اصول را نیز نگاشت و قطعاً فلسفه فقه و فلسفه اصول را متحول کرد.

عضو گروه منطق فهم دین پژوهشگاه ادامه داد: درخصوص «خطابات قانونیه» تا به حال سه تقریر ارائه شده است که یکی از آنها تقریر حضرت امام است و البته ممکن است پاره‌ای اشکالات بر تقریر ایشان وارد باشد. بنده براساس نظریه ابتناء تقریر چهارمی را با صورت‌بندی نو و جدید ارائه داده‌ام.

وی افزود: اجمالاً به نظر می‌رسد نظریه‌ی خطابات قانونیه حضرت امام در سه استوا قابل ارزیابی است؛ نخست بررسی این نکته که مبانی و مبادی ارائه‌شده در آن، چه مقدار قابل دفاع است و آیا می‌توان شبهاتی بر آن وارد کرد؛ همچنین آیا می‌توان پرسش‌هایی در مقابل تقریر و تبیین نظریه قرار داد؟ مستوای دوم نیز بررسی دستاوردها و پیامدهای این نظریه است و مستوای سوم بررسی این مسئله است که آیا می‌توان این نظریه را بازسازی کرد؟ زیرا این نظریه تنها یکی از خصایل حکم را مطرح کرده که خصلت جمعی‌بودن و عدم انحلال خطاب قانونی است؛ در صورتی که این تنها خصلت قانون و خطاب قانونی نیست و سایر مراتب حکم هم باید مد نظر قرار گیرد.

وی اضافه کرد: ما به عنوان تقریر تازه‌ای از این نظریه، با لحاظ همه خصائص حکم، اعتبار، جعل و خطاب، حدود یکصد قاعده که می‌توانند «مبادی احکامیه» را تشکیل دهند، در چهار مقام تقسیم‌بندی کردیم و به این ترتیب هم صورت‌بندی فلسفه فقه انجام پذیرفت و هم ساختار اصول فقه را براساس آن پیشنهاد دادیم.